

The Transformation of Iran's Cultural and Social Life: A Case Study during World War II

Hossein Rouhani Sadr¹ , Abdollah Sajedi, Nezam-Ali Dehnavi³

1. PhD Student in Post-Islamic Iranian History, Department of History, Payame Noor University, Tehran, Iran (corresponding Author).
2. Assistant Professor, Department of History, Payame Noor University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of History, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 17 September 2025

Received from revised: 15 November 2025

Accepted: 7 August 2026

Available online: 1 September 2026

Keywords:

Introduction

The change of Iran's socio-cultural life during the Second World War (1939–1945) can be considered a major juncture in the transition of Iranian society from tradition to modernity. This period offered a unique experience: occupation, famine, the presence of alienations, and a simultaneous encounter with a new world. This dualistic engagement generated a new historical consciousness in Iran regarding its global standing and the necessity of redefining cultural autonomy and identity. In other words, in this era, Iran perceived itself for the first time as an integral participant in global history. Overall, while this era was undeniably characterized by socio-political crises, from a socio-cultural perspective, it is viewed as a period of compulsory liberalization and the generation of a modern cultural identity. Iran transitioned from a centralized, closed, and governmental cultural model to an open and pluralistic one that started an international dialogue.

Most previous works have largely confined the study of World War II in Iran to a political and pejorative framework, neglecting the cultural capacities and social changes. This study is innovative in its approach and methods. Other studies have considered the war primarily as a military disaster; this research took a cultural history approach and intertextual discourse analysis, and tried to see and analyse the cultural representations of the war from diplomatic memoirs, archival records, and the contemporary Persian press. According to this framework, the war is analysed not merely as a catastrophe but as a socio-cultural process that resulted in the redefinition of modernity, cultural relationships, educational paradigms, and media patterns in Iran.

Method

Using a historical-analytical method and drawing on archival and periodic studies, this study sought to examine how the presence of the Allies in Iran led to the redefinition of Iran's socio-cultural structure. This research hypothesizes that while the military occupation and direct contact with foreigners constrained political dominance, it created,

at the socio-cultural level, a structural mobilization within educational institutions, the media, and urban lifestyles. Data analysis showed that the Second World War made the ground for a new discourse on cultural modernization and the reconfiguration of social relations; a discourse in which concepts such as literacy, urban order, the role of women in society, and progress were redefined. Consequently, one sees this era as a milestone in Iran's cultural history, accelerating the transition from tradition to modernity.

Discussion and Conclusion

This study aimed to present a picture of the cultural consequences of World War II (1939-1945). Accordingly, three primary consequences can be identified in the cultural landscape of war-torn Iran. 1) The war changed the allocation of socio-cultural roles. Before the war, cultural services were exclusive to the state. Although the war did not intend to train a new force, the weakness of the central state allowed these social forces to be mobilized and directed by expert mentors; 2) New cultural entities were created through the collaboration of Allied forces and Iranian activists. These entities played a significant role in state organization and the transformation of the social configuration of Iran; 3) New concepts, technical knowledge, and information were created by the entities, particularly through socio-cultural collaborations. These new concepts and knowledge revolutionized the Iranian intellectual and cognitive systems. The internalization of this knowledge resulted in many changes in Iranian social life and redefined the relationship among the state, society, the environment, and other societies. These new ideas and knowledge were distributed among the public through the proliferation of books and newspapers, and the development of public schools. They exerted a profound influence on people's attitudes, worldviews, and socio-political orientations.

تحول حیات فرهنگی و اجتماعی ایران مطالعه موردی از خلال جنگ جهانی دوم

حسین روحانی صدر^۱، عبدالله ساجدی^۲، نظام علی دهنوی^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۲. استادیار و عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳. دانشیار، گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

تحول حیات فرهنگی و اجتماعی ایران در خلال جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸-۱۳۲۴ ش) را می‌توان یکی از مقاطع کلیدی در گذار جامعه ایرانی از سنت به مدرنیته دانست. این پژوهش با اتکا به روش تاریخی-تحلیلی و بر پایه مطالعات اسنادی و مطبوعاتی، در پی پاسخ به این پرسش است که: حضور متفقیان در ایران چگونه موجب بازتعریف ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور شد؟ فرضیه پژوهش بر این مبناست که اشغال نظامی ایران و تماس مستقیم با نیروهای بیگانه، اگرچه در سطح سیاسی استقلال کشور را محدود ساخت، اما در سطح اجتماعی و فرهنگی به ایجاد نوعی تحرک ساختاری در نهادهای آموزشی، رسانه‌ای و سبک زندگی شهری انجامید. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که جنگ جهانی دوم، بستر شکل‌گیری گفتمان تازه‌ای از نوسازی فرهنگی و بازاریابی روابط اجتماعی را فراهم آورد؛ گفتمانی که در آن، مفاهیمی چون سواد، نظم شهری، نقش زن در جامعه و مفهوم «ترقی» بازتعریف شدند. در نتیجه، می‌توان این دوره را نقطه عطفی در تاریخ فرهنگی ایران دانست که گذار از سنت به مدرنیته را شتاب بخشید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۶

انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

کلیدواژه‌ها:

جنگ جهانی دوم،
تحولات فرهنگی،
نهادهای اجتماعی،
فرهنگ.

مقدمه

جنگ نیرومندترین و مؤثرترین شیوه برخورد و رویارویی تمدن‌ها به حساب می‌آید. واکاوی پیامدهای جنگ جهانی دوم در ایران از خلال منابع از جنبه‌های گوناگون، بسیار حائز اهمیت است و می‌توان اهمیت و جایگاهش را در تحول حیات فرهنگی - اجتماعی ایران به وضوح مشاهده نمود. ایران به رغم اینکه در هر دو جنگ جهانی اول و دوم اعلام بی طرفی نمود، اما به دلیل موقعیت جغرافیایی، صحنه درگیری‌های قوای روسیه، عثمانی، بریتانیا و آلمان شد.

ورود دیپلمات‌ها، خبرنگاران، نیروهای متفقین و پناهیجویان موجب افزایش تماس فرهنگی مستقیم و تنوع فرهنگی و قومی بیشتر گردید. آنان مؤسساتی فرهنگی - تجاری راه اندازی کردند که به توسعه طبقه متوسط شهری در ایران کمک کرد. برای نخستین بار، ارتباط زبانی، هنری و آموزشی با انگلیسی‌زبانان، آمریکایی‌ها و اروپاییان شرقی به شکلی عینی در سطح جامعه گسترش یافت. در نتیجه، روابط فرهنگی از حالت رسمی و دیوانی به شکل مردمی و تجربی درآمد و ایرانیان به ویژه در شهرهای تهران، اصفهان و اهواز، از نزدیک با جلوه‌هایی از فرهنگ غربی مواجه شدند. این تماس فرهنگی، هرچند نابرابر و موقت بود، اما در شکل‌گیری ذهنیت مدرن و رشد آموزش زبان خارجی و رسانه‌های فرهنگی اثرگذار شد. نشریات زنان افزایش یافت، انجمن‌های زنانه تشکیل شد و در محیط‌های شهری، زنان ایرانی نقش اجتماعی فعال‌تری پیدا کردند. از سوی دیگر، حضور زنان پناهجو در ایران در خلال جنگ، که در حرفه‌هایی چون آموزش، بهداشت و خدمات شهری فعالیت داشتند، باعث شد الگوهای تازه‌ای از رفتار اجتماعی و پوشش در جامعه ایرانی شناخته شود. به این ترتیب، زن ایرانی از «نماد فرهنگی دولتی» به «کنشگر فرهنگی و اجتماعی» بدل شد.

در سال‌های اشغال، با حضور نیروهای خارجی و رشد ارتباطات بین‌المللی، زندگی شهری دگرگون شد. کافه‌ها، سینماها، موسیقی زنده و محافل روشنفکری گسترش یافتند و برای نخستین بار فضاهایی برای گفت‌وگو و تبادل فرهنگی میان گروه‌های مختلف اجتماعی پدید آمد. می‌توان گفت در این دوران، فرهنگ شهری مدرن و آگاهی از سبک زندگی نوین متولد شد. در فضای فرهنگی ایران نوعی هم‌زیستی و رقابت فکری میان سه جریان دینی، ملی و چپ پدید آمد که در دهه‌های بعد مسیر فکری جامعه را شکل داد. با گسترش تجارت، آموزش زبان، اشتغال در ادارات متفقین و گسترش رسانه‌ها، طبقه متوسط شهری قدرت فرهنگی و اقتصادی بیشتری یافت (شایق، ۱۴۰۰، ۱۳۰-۱۴۰).

جنگ جهانی دوم تجربه‌ای کاملاً متفاوت بود: اشغال، قحطی، حضور بیگانگان و هم‌زمان آشنایی با دنیای جدید. این تجربه دوگانه، نوعی آگاهی تاریخی تازه در جامعه ایجاد کرد؛ آگاهی از جایگاه ایران در جهان و ضرورت بازاندیشی در مفهوم استقلال و هویت فرهنگی. به بیان دیگر، ایران در این دوره برای نخستین بار خود را بخشی از تاریخ جهانی احساس کرد. در مجموع، این دوران اگرچه برای ایرانیان از نظر سیاسی و اقتصادی بحرانی بود، اما از دید فرهنگی، اجتماعی، دوره‌ای از گشایش اجباری و زایش فرهنگی نوین محسوب می‌شود. جامعه از فرهنگی متمرکز، بسته و دولتی به فرهنگی باز، متکثر و مردمی گذر کرد و ایران با جهان جدید وارد گفت‌وگو شد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در پژوهش‌های منتشرشده هیچ‌گاه به طور مستقل دستاوردهای فرهنگی به جامانده از حضور متفقین و رقابت قدرت‌های بزرگ به تصویر کشیده نشده است و مسائل فرهنگی در قالب جنگ سرد، بیشتر مدنظر محققان بوده تا در دوران جنگ؛ با آنکه اسناد آشکارا نمایانگر این دستاوردها در دوران جنگ هستند. براساس یافته‌های این پژوهش، جنگ جهانی دوم نقطه عطفی در روزرسانی فرهنگ و نهادهای اجتماعی ایران در حداث ۱۳۱۸-۲۴ ش بوده است. با توجه به ضرورت ارتقای جامعه توسعه‌نیافته ایران، فرهنگ ابزاری اجتناب‌ناپذیر در این مسیر بود؛ از این رو، این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و براساس بررسی مجموعه اسناد منتشرشده و اسناد آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتابخانه مجلس، و منابع تحقیقاتی جنگ جهانی دوم، تحول حیات فرهنگی و اجتماعی ایران را موردبررسی قرار می‌دهد.

پیشینه پژوهش

بررسی شرایط ایران در خلال جنگ جهانی دوم در آثار و خاطرات دیپلمات‌های خارجی مقیم تهران در آثاری همچون خاطرات سر ریدر ویلیام بولارد سفیر کبیر انگلستان در ایران، نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه (۱۳۸۱) و شترها باید بروند (۱۳۶۲) اثر بولارد تصویری چندوجهی از وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور در دوران اشغال ارائه می‌دهد. در این منابع، جنگ نه تنها به منزله بحران سیاسی بلکه به عنوان زمینه‌ای برای تغییرات فرهنگی و ذهنی جامعه ایرانی مطرح شده است.

در آثار ایرانی مانند تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر (۱۳۴۲) و ایران مدرن و نظام آموزشی آن (۱۳۹۷) از عیسی صدیق و پیوند‌های فرهنگی ایران و آمریکا (۱۳۵۵) علی پاشا صالح، مواجهه ایران با فرهنگ غرب در بستر تحولات جنگ و پس از آن، به صورت غیرمستقیم بررسی شده است. همچنین در ادبیات و آثار فرهنگی معاصر نظیر دیوان اشعار بهار، غرب زدگی، مدیر مدرسه و یک چاه و دو چاله، می‌توان بازتاب‌های فرهنگی جنگ و شکل‌گیری ذهنیت پساجنگی را مشاهده کرد.

در تحقیقات و مطالعات جدید همچون درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران (۱۳۹۲) از محمدسعید ذکایی و مریم امن‌پور؛ ایران بین دو کودتا (تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از انقراض قاجاریه تا کودتای ۲۸ مرداد) (۱۳۹۱) داریوش رحمانیان؛ پرورش ذوق عامه در عصر پهلوی (۱۴۰۰) علی قلی‌پور؛ نگاهی به پدیده جنگ سرد و ناتوی فرهنگی (۱۳۹۲) اثر کامبیز پارتازیان و سمیه برقراری، موضوعات فرهنگی در کنار مباحث سیاسی و اجتماعی مطرح شده‌اند، اما جنبه‌های فرهنگی ناشی از خود جنگ جهانی دوم به عنوان موضوعی مستقل کم‌تر مورد بررسی قرار گرفته است.

بیشتر تحقیقات کلاسیک مانند کتاب اریک هابزبام با عنوان عصر نهایی‌ها (تاریخ جهان ۱۹۱۴-۱۹۹۱ م) (۱۳۸۰). کنترل فرهنگ: نقش بنیادهای کارنگی، فورد و راکفلر در سیاست خارجی آمریکا (۱۳۷۳) از ادوارد برمن، با تکیه بر آرشیوهای قدرت‌های بزرگ، جنگ را در قالب تحولات کلان جهانی تحلیل کرده‌اند و سهم ایران را در این میان نادیده گرفته‌اند. حتی اسناد مهمی چون ایران در اشغال متفقین، مجموعه اسناد و مدارک (۱۳۷۱)؛ اسناد نقص بی‌طرفی ایران در شهریور ۱۳۲۱ (۱۳۷۰)؛ گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران (۱۳۸۱) با وجود ارزش سندی، کمتر به ابعاد فرهنگی و تأثیرات اجتماعی جنگ در ایران پرداخته‌اند.

به علاوه، در مقالاتی چون «دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران» (حسام‌الدین آشنا، ۱۳۸۴)، یا پژوهش‌های دیگر از این دست، پیرامون روابط فرهنگی ایران و آمریکا، محور اصلی تحلیل‌ها همچنان بر رقابت‌های سیاسی و جنگ سرد متمرکز است و دستاوردهای فرهنگی جنگ جهانی دوم در بطن این روابط مغفول مانده است.

در مجموع، مرور پیشینه نشان می‌دهد که بیشتر آثار پیشین، جنگ جهانی دوم را در چارچوبی سیاسی و منفی‌نگرانه بررسی کرده‌اند و به ظرفیت‌های فرهنگی و تغییرات اجتماعی برخاسته از آن توجه کافی نداشته‌اند. نوآوری این پژوهش در تغییر زاویه دید و روش مطالعه نهفته است. درحالی‌که اغلب تحقیقات، جنگ جهانی دوم را به مثابه بحرانی سیاسی و نظامی دیده‌اند، پژوهش حاضر با رویکرد تاریخ فرهنگی و تحلیل گفتمان میان‌متنی می‌کوشد از خلال خاطرات و گزارش‌های دیپلمات‌های خارجی، اسناد آرشیوی و مطبوعات فارسی، بازتاب‌های فرهنگی جنگ را استخراج و تحلیل کند. در این رویکرد، جنگ نه صرفاً به عنوان «فاجعه»، بلکه به مثابه فرایندی فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که به بازتعریف مفاهیم مدرنیته، روابط فرهنگی، الگوهای آموزشی و رسانه‌ای در ایران انجامید.

سازماندهی بهداشتی، رفاهی، آموزشی و فنی

اقبال جامعه به آموزش و فرهنگ همگانی و کمبود آموزگار کیفی از یک سو و علاقه تعدادی از نخبگان سیاسی به گسترش سریع آموزش در کشور از سوی دیگر، از کیفیت دانشجویان ورودی به مدارس عالی کاست. بنابراین، دولت گام‌هایی را در تقویت کیفیت آموزش معلمان دوره ابتدایی برداشت و در سال ۱۳۱۳ ش لایحه تربیت معلم را به تصویب رساند. تعداد دبستان از ۴۴۰ مورد به ۱۳۳۶ باب رسید و تعداد دانش‌آموزان نیز در همین دوره از ۴۳۰۲۵ نفر به ۱۷۰۰۷۷ نفر بالغ شد. نکته مهم آنکه، عمده مدارس جدید در شهرها تأسیس می‌شدند و نواحی روستایی به سبب کم‌توجهی معلمان به کار در این مناطق و تحریکات و مقاومت ملاکان با محرومیت آموزشی روبه‌رو بودند. در سال ۱۳۱۹ ش، ۵۰۶ دانشجو از مراکز تربیت معلم فارغ‌التحصیل شدند؛ اما این اقدامات با رشد سریع مدارس همگام نبود. تعداد ۲۳۳۶ مدارس ابتدایی دولتی با ۲۱۰۰۰ دانش‌آموز و ۲۴۱ دبیرستان با ۲۱۰۰۰ دانش‌آموز و ۴۰۰۰ دانش‌آموز دختر و شمار دانشجویان دانشگاه تهران به ۳۳۳۰ نفر رسید (متی، ۱۳۸۷: ۱۹۰-۱۹۶).

فعالان مذهبی که پراکنده و گریزان از حکومت بودند، بلافاصله به تجدید قوا پرداخته و در گوشه‌وکنار تهران به دنبال مرمت و احداث ابنیه جدید برآمدند؛ برای نمونه، حجت الاسلام برهان، مدرسه لرزاده را به همراه حجره‌هایی نزدیک میدان خراسان تأسیس کرد که اطرافش هم بیابان و زمین‌های کشاورزی اهالی دولاب بود (روحانی صدر، ۱۳۹۶: ۳۶). شیوه‌های مدرسه‌داری و تدریس محتواهای آموزشی مدارس خارجی غالباً مورد تقلید عموم مدارس قرار گرفت. کم‌کاری و بی‌توجهی مدارس به «تربیت دینی» اطفال مسلمان و اولویت قائل شدن این مدارس بر آموزش زبان‌های خارجی پیش از آنکه اطفال مسلمین زبان‌های دینی و ملی خود را فراگیرند، نگرانی‌های روحانیان را در فعالیت‌های مدارس جدید برمی‌انگیخت. این حساسیت‌ها آنان را به برپایی مدارس و مدیریت‌شان واداشت (محمدی، ۱۳۹۵: ۲۲-۲۳).

دانش‌آموختگان فنی - مهندسی که فضایی برای بروز توانمندی‌هایشان ایجاد نشده بود، با راه‌اندازی کانونی به نام «کانون مهندسین» و همچنین انجام يك اعتصاب گسترده با شعار سپردن کار به کاردان، به تبلیغ ایده تفویض اختیارات مدیریتی به فن‌سالاران، اهمیت نقش مهندسان در مدیریت اقتصادی و ممانعت از انحطاط و تخریب صنایع پرداختند (ساکما: ۲۴۵۷/۲۹۳؛ مجله صنعت، فروردین ۱۳۲۳: ۷۰).

از سویی دیگر، با شروع فعالیت شرکت نفت در زمینه بهداشت و خدمات درمانی در مناطق نفتی و ورود نیروی کار خارجی، امکانات بهداشتی همچون تأسیس بیمارستان و درمانگاه‌ها، آب آشامیدنی، واکسیناسیون و آبله‌کوبی، قرنطینه بیماری‌های واگیر و... در مناطق نفتی جنوب ایران فراهم شد. در نتیجه، نهادهای اجتماعی این مناطق با آشنایی به این ظرفیت‌های جدید تحول یافت (معتقدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۸-۱۲۹). بهداشت مدرن در جامعه زنان یکی از راه‌های گذار از سنت به تجدد بود. نویسندگان مجلات مربوط به موضوعات خانه و خانواده و زنان، با درک ضرورت آگاهی‌بخشی اجتماعی و بسط مفهوم بهداشت نوین، کوشیدند علم‌گرایی و خرافه‌ستیزی را به‌منزله یکی از مشخصه‌های تجدد، جایگزین نگرش سنتی به بهداشت کنند. همچنین، با معرفی دستاوردهای پزشکی جدید، مقوله بهداشت را از انحصار جهان اندرونی به عرصه عمومی بکشاند و به مسئله مهم اجتماع تبدیل کنند (صفائیان و طولابی، ۱۳۹۶: ۱۵۰). گنجاندن مباحث مربوط به حفظ سلامتی در کتاب‌های درسی دبستان و انتشار کتاب‌هایی درباره حفظ‌الصحه، برگزاری کنفرانس‌ها و سخنرانی‌ها در مناطق ایران از جمله دستاوردهای فرهنگی کنشگران اجتماعی است (علیزاده بیرجندی و حامدی، ۱۴۰۱: ۹۲-۱۷۳). با رشد فرهنگی جامعه، شهرداری‌ها موظف شدند آب‌انبارهای سطح شهرها را تخلیه و ضدعفونی کنند و حمام‌های خزینه‌ای در ایام اپیدمی تیفوس و تیفوئید بسته شد. بخشی از بیمارستان شهر (حیات زنانه) به بیماران حصه‌ای اختصاص داده شد (ساکما: ۲۹۳/۱۱۹/۹۸) اکثر شهرهای ایران در ایام همه‌گیری با کمبود دارو و واکسن مواجه شدند.

بخشی از روند شکل‌گیری «حافظه تصویری و روایی جدید» در این دوره شکل گرفت؛ دوره‌ای که سینما، ادبیات انتقادی و نهادهای فرهنگی نوظهور در شکل‌دهی به آگاهی اجتماعی نقشی بی‌سابقه ایفا کردند. در این میان، ورود بنگاه‌های بین‌المللی به حوزه فرهنگ ایران نیز نشان‌دهنده تغییر در شیوه‌های بازنمایی هویت ایرانی برای مخاطبان داخلی و خارجی بود. بنگاه بین‌المللی فیلم برای ساخت و تهیه ده حلقه فیلم در زمینه مسائل جغرافیایی، صنعتی، حمل و نقل، اقتصادی و تاریخی به منظور شناساندن ایران به کشورهای خارجی درخواستی از ایران کرد و کمیسیونی در وزارت فرهنگ تشکیل و برای تهیه ده حلقه فیلم در ده هفته با هزینه‌ای معادل ۴۵۰۰۰ دلار قراردادی با این بنگاه تنظیم شد (رشیدپور و فتحی، ۱۳۸۵: ۲۰۵-۲۰۰). انعکاس رویدادهای اجتماعی ایران با تولید فیلم‌های کوتاه بومی نیز فضای جدیدی را در معرفی مردم به مردم ایجاد نمود. فیلم‌های سینمایی آغازین همچون «آبی و رابی»، «انتقام برادر» (۱۳۱۰)، «حاجی آقا آکتور سینما» (۱۳۱۱)، از جنبه مضمون، کاملاً حادثه‌ای-اجتماعی بودند. فیلم «دختر لر» (۱۳۱۲) به کارگردانی عبدالحسین سپنتا با مضمون عشق و تصادف، بر مخاطب و دگرگون کردن فرهنگ اجتماعی آن روز تماشاگران تأثیرگذار و نمایش فیلم‌های شیرین و فرهاد (۱۳۱۴)، فردوسی و چشمان سیاه (۱۳۱۵) و لیلی و مجنون (۱۳۱۶) نشان‌دهنده تحرک اجتماعی مخاطبان بود (آذری، ۱۳۷۸: ۵۳-۵۴).

ادبیات نیز در این دوره بازتابی از تحولات اجتماعی بود. شعر شاعران کنشگر جامعه‌گرا مسائل روزمره مردم را در کانون توجه قرار داد. انتقاد از بیکاری، دربه‌دوری، محرومیت، تبعیض، رشوه‌خواری، فساد حاکم بر دستگاه اجرایی از مایه‌های اصلی شعر شاعران کنشگر جامعه‌گرای به‌شمار می‌رود (مهدی‌پور و خاکپور، ۱۳۸۹: ۱۱۹). از سوی دیگر، سیاست و روابط خارجی ایران با کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، از مضامین تأثیرگذار در گفتمان انتقادی رمان‌ها بود (کاتم، ۱۳۷۸: ۶). نکته مهم آن است که این تحولات داخلی در پیوند با جریان‌های جهانی نوین تاریخ‌نگاری قرار داشت. توسعه مکتب آنال توسط لوسین فور در مدرسه مطالعات عالی فرانسه، مدرسه مطالعات عالی علوم اجتماعی شکل گرفت. گروه آنال تاریخ‌نگاری فرانسه را مخاطب قرارداد و کوشید با تشویق پژوهش‌های نوین تاریخی و با دفاع از تاریخ جامع و چندبعدی و امداد از رشته‌های مختلف علوم انسانی، نسل جدیدی از تاریخ‌نگاری جوان را به سوی خود جلب کند و این نسل جوان و مبلغان و حامیان نوپای مکتب جامعه‌شناسی راه خویش را به دانشکده‌ها و مؤسسات آموزشی گشودند (جهانگرد، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۳).

بازتاب حضور قدرت‌های بزرگ و تبعید نخبگان

روابط فرهنگی ایران با خارجی‌ها پس از گفتمان نظامی‌گری به ورود صناعی همچون نفت، راه‌آهن و... بازمی‌گردد. تاریخ تشکیل انحصارات نفتی انگلیس در جنوب نشان می‌دهد که جمعیت اسکان‌یافته - و بعضی اوقات عشایر- آن ناحیه و ازجمله بعضی نواحی مرکزی ایران کارگران اصلی و غیرمتخصص صنعت نفت را تشکیل می‌دادند. شرکت عشایر و شبه عشایر در کارهای صنعتی به‌صورت کارگران غیرمتخصص پدیده مثبتی برای رشد جامعه ایران به شمار می‌رفته است؛ اما برخی از منابع انتقادهای فراوانی از گرداندگان امور در توزیع عادلانه منافع میان این نیروها ابراز نموده‌اند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۷۲).

با افزایش حضور نیروهای چندملیتی به‌ویژه آلمان‌ها، آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها دولت بریتانیا حوادث داخلی ایران و حتی نوع تعاملات و سوابق نهادهای خارجی دیگر کشورها در ایران را با نگاهی متفاوت به مقامات مافوق خود گزارش می‌کرد. برای نمونه، درخصوص مدرسه طب کوچک، پستورهای میسیونر آمریکایی تهران آورده‌اند که مدرسه بی‌نظیری ایجاد شده است. این مؤسسه پروژه ساخت کالج دخترانه در مساحتی حدود ۶۰۵۰۰ مترمربع زمین را در تهران در برنامه کار خود داشت (بولارد، ۱۳۷۸: ۳۳). شاید ایرانیان به‌واسطه روحیه تخاصم‌شان با شوروی و انگلیس و حتی حمایت‌شان از

ژرمن‌ها اخطار دادند اداره دو مدرسه کالج امریکایی تهران (البرز) و مدرسه انگلیسی را به عهده خواهند گرفت. اما به دلیل دستاوردها و سوابق مثبت نهادهای آموزشی انگلیسی‌زبان در ایران این نگاه به موفقیت ویژه‌ای نرسید. در سایه تعاملات پیشین‌شان فعالیت‌هایشان ادامه یافت (بولارد، ۱۳۷۸: ۳۳-۳۴).

براساس اسناد ناظران خارجی با فروپاشی در ساختار سیاسی، هرج و مرج ایجاد شد. گردانندگان امور بر سر حفظ موقعیت خود ضمن رقابت با دیگران، حاضر به پاسخگویی نبودند و این رویکرد، شاه را نسبت به آنان خشن‌تر کرد. (Press attach to Bullard, 4/10/41, FO 416/99) حتی امنیت راه‌های مورد نیاز متفقین نیز به علت ناکارآمدی و بی‌انضباطی نیروهای ژاندارمری مختل گردید (ساکما: ۲۹۳۰۳۶۲۶).

بریتانیا در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۹، به دنبال اصلاح و تقویت همه‌جانبه نیروهای خود در ایران به‌ویژه کارکنان چندملیتی انگلیسی‌زبان‌شان در تأسیسات نفتی برآمدند. ایرانیان درواقع به شرکت نفت به چشم حسرت می‌نگریستند (بولارد، ۱۳۷۸: ۶۱).

با حمله آلمان به شوروی، که از قضا هم‌زمان با سال روز حمله تاریخی ارتش ناپلئون به روسیه تزاری بود، جامعه ایرانی مانند همه جهانیان غافلگیر شد و معادلات انگلستان در قبال ایران تغییر کرد (کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۶). با شرایط خاصی که در مناسبات انگلستان و شوروی کمونیست ایجاد شد، به تعبیری گرگ و میش مجبور به رفع عطش از یک چشمه شدند. برای همین، در هشتم تیرماه ۱۳۲۰ هیئتی از انگلستان وارد روسیه شد و راه‌های تقویت همکاری دو طرف بررسی گردید (حق‌گو، ۱۴۰۰: ۳۸-۳۹). با آنکه ایران برای متقاعد کردن متفقین مبنی بر بی‌خطر بودن آلمانی‌های ساکن در این کشور تلاش می‌کرد، گوینده رادیو باکو در اول تیر ۱۳۲۰ عنوان کرد که در تبریز یک سازمان آلمانی با سرپرستی کنسول اشمیت مشغول فعالیت جاسوسی است و شوروی‌ها قصد دارند، برای درهم شکستن این تشکیلات وارد خاک ایران شوند و خواستار اخراج فوری این عده شده‌اند (امرابی، ۱۳۹۴: ۳۲).

دولت‌های شوروی و انگلیس یادداشت‌هایی را در ۲۸ تیر ماه ۱۳۲۰، به ایران تسلیم کردند و از فعالیت کارشناسان آلمان در ایران اظهار نگرانی نموده و خواستار اخراج آنان شدند. به عقیده متفقین، آن‌ها ستون پنجم آلمان در ایران بودند. از این رو، جنگ روانی و تبلیغاتی شدیدی را علیه آلمانی‌های شاغل در ایران به راه انداختند و در روزنامه‌های خود تعداد آن‌ها را ده‌هزار نفر ذکر کردند (ترکمان، ۱۳۷۰: ۹۶).

کم‌تر از یک ماه بعد، سران دو کشور ایالات متحده آمریکا و بریتانیا در یک کشتی در اقیانوس اطلس با یکدیگر ملاقات کردند و هدف‌های خود را درباره جنگ در منشور اتلانتیک اعلام نمودند. در هشتمین و آخرین ماده منشور اتلانتیک به یک سیستم دائمی امنیت عمومی اشاره شد که از نیت سران دو کشور در مورد امکان تشکیل چنین سازمانی حکایت داشت (مقتدر، ۱۳۴۹: ۹).

بر اثر اصرار و پافشاری وزیر مختار انگلیس در ۱۹ شهریور، روزنامه اطلاعات توقیف شد (عاقلی، ۱۳۷۹: ۳۳۳). عموم مردم نیز علاقه‌مند به احیای خاستگاه‌های مدنی به سرانجام‌نرسیده مشروطه شدند (بولارد، ۱۳۷۸: ۱۱۶). با تلاش کنشگران، دولت جدید برای جلب نظر عموم مردم در نهم مهر، ممنوعیت تعلیمات نظامی را در دانشکده‌ها و دبیرستان‌ها به رسمیت درآورد، همچنین پیش‌آهنگی هم اختیاری شد (عاقلی، ۱۳۷۹: ۳۳۷). فعالیت مجدد برخی علما و روحانیان، شکل‌گیری گروه‌های سیاسی، احزاب گوناگون، اجتماعات حرفه‌ای و اتحادیه‌های کارگری را باید یکی از بارزترین ثمرات این فضای باز سیاسی دانست که از برون‌ریزی نارضایتی‌های سرکوب‌شده شانزده‌ساله خبر می‌داد.

متفقین جهت کنترل مخالفان خود و به بهانه طرفداری و همکاری با دول محور و تحریک علیه نیروهایشان از کیفر تبعید استفاده می‌کردند (بیدگلی و مرادینی، ۱۳۹۹: ۷۶). بولارد، سفیر انگلیس در ایران، در پاسخ به نصرالله انتظام، وزیر امور خارجه، درخصوص بی‌گناهی تبعیدشدگان درخواست کرد تا از نشر مطالبی علیه متفقین در جراید خودداری شود (اسنادی از اشغال...، ۱۳۹۰: ۳۶۶-۳۶۸). مقامات انگلیس از موضع خود کوتاه نمی‌آمدند. کنسول انگلیس در اصفهان

گفت: «اشخاصی که به نفع دول محور و علیه متفقین تبلیغ نمایند باید تعقیب شوند.» (ساکما: ۲۹۳-۳۳۱۸). دادخواهی و شکوائیه‌های خانواده‌های تبعیدی نیز مورد توجه هیچ‌یک از نهادهای قانونی قرار نگرفت (اسناد مجلس شورای ملی: ۳۲۶۱) و جو عمومی کشور علیه متفقین شد؛ لذا تبعید افراد توسط آنان، واکنش مردم و روزنامه‌ها را به دنبال داشت. متفقین به‌طور کلی از رویه‌ای که مجلس شورای ملی و روزنامه‌جات نسبت به بازداشت‌شدگان اتخاذ و اغلب تلویحی، یا آشکارا به بی‌گناهی بازداشت‌شدگان و بی‌عدالتی متفقین نسبت به آن‌ها اشاره نموده‌اند، نهایت دلتنگی را داشتند (اسنادی از اشغال...، ۱۳۹۰: ۳۶۸/۵-۳۶۹).

میزبان ناخواسته میهمان ناخوانده

یکی از دغدغه‌های متفقین رسیدگی به امور آوارگان لهستانی مستقر در قزاقستان بود که آنان را به دولت ایران در بنادر شمالی تحمیل کردند. این مردم آواره آلوده به انواع بیماری‌ها باید در نقاط مختلف ایران پراکنده و اسکان داده شدند. هیئتی از پزشکان چندملیتی غربی از هند، نیروهای صلیب سرخ و دیگر جمعیت‌های فراملیتی همه امکانات خود را برای تأمین البسه و داروی مورد نیاز آنان بسیج کردند و برای ایجاد تعاملات معنوی آنان با جامعه ایرانی، نهادهای اجتماعی را به همدلی و هم‌سوئی فراخواندند. تا آنجا که این آوارگان توانستند در میان خانواده‌ها، مدارس و... راه یابند (بولارد، ۱۳۷۸: ۱۴۳، ۱۸۹). باغ‌پادگان منظریه در اختیار مهاجرین لهستانی قرار گرفت (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۲-۲۴-۱۳۲۱ ش). مراودات بخشی از نهاد بهداشت و درمان ایران با این هیئت باز شد و بیمارستانی برای بیماران لهستانی زیر نظر دکتر دیویس تکمیل و تجهیز کردند (بولارد، ۱۳۷۸: ۱۴۳؛ ۱۹۰-۱۹۶؛ ۲۶۵-۲۶۶؛ حیدری، ۱۳۹۸: ۳۴). البته نگاه جامعه پزشکان ایرانی به این آوارگان به دلیل اشاعه تیفوس توسط آنان مثبت نبود. به‌هر صورت، به‌واسطه حضور این مهاجران تحمیلی اقلام دارویی و نیروی امدادی از سوی بریتانیا در محل‌های نگهداری آنان تأمین شد و جامعه پزشکی ایران نیز از این ظرفیت‌ها بی‌بهره نماند (ساکما: ۲۴۰/۷۲۰۸۵؛ ۳۱۰/۹۹۵۲).

حضور این آوارگان مهاجر پیامدهای فرهنگی‌ای همچون همزیستی و تقلید در پوشش، برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های هنری و پخت و پز و صنایع دستی و... را با توجه به تفاوت زبان، آداب و رسوم و... به دنبال داشت. البته چون از ابتدای جنگ، ایران داعیه بی‌طرفی داشت، این تعاملات به‌صورت گروهی از پزشکان و کادر درمانی کشور نانوشته و غیررسمی در قالب مراوده نهادهای غیردولتی با آنان صورت تحقق به خود گرفته بود.

رادیو مسکو و رادیوهای کشورهای کمونیستی و برخی روزنامه‌های لهستان تبلیغات زننده و موهنی علیه ایران آغاز کردند و روزنامه‌های شوروی تهدید کردند نباید در ایران پایگاهی علیه شوروی برای امریکا ساخته شود. با این شعار که هیچ نیروی خارجی کسی را از دست ملت خویش نجات نخواهد داد، هم‌پیمانی با امریکا را ترس از ملت و حفظ موقعیت کنونی خود قلمداد کردند (عاقلی، ۱۳۷۹/۲: ۹۶، ۹۷).

جنوب شوروی، شمال ایران

در سال‌های اشغال ایران، رقابت فرهنگی میان قدرت‌های خارجی تنها در سطح تبلیغات سیاسی باقی نماند، بلکه در عرصه تولیدات هنری، ارتباطات عمومی و سازمان‌دهی اجتماعی نیز جلوه یافت. یکی از نموده‌های مهم این فرایند، تلاش نظامی- فرهنگی شوروی برای شکل‌دهی به نوعی «هژمونی فرهنگی» در مناطق شمالی کشور بود؛ تلاشی که در واکنش به حضور امریکا و بریتانیا، ابعاد پیچیده‌تری پیدا کرد.

ارتش سرخ برای فعالیت‌های فرهنگی خود در گوشه‌کنار شهرها از جمله مهندسان خارجی سازنده راه‌آهن سوادکوه فیلم‌های مختلف به نمایش می‌گذاشت. اگرچه مردم خطه شمال ایران به دلایلی همچون اختصاص یافتن کتابخانه ملی

شهر رشت به ارتش شوروی از روس‌ها ناخشنود بودند (ساکما: ۱۴۶۲۷-۲۳۰؛ بی‌نا، ۱۳۹۹، سایت اینترنتی فرارو). همچنین، اولین خط تلفن را از چالوس تا کازینو رامسر کشیدند (سیاری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۹-۲۰). آنان برای جلب نظر مناطق مرزی خود و تبلیغ دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی به دست آمده‌اش هیئتی به ریاست قاضی محمد در شهریور ۱۳۲۰ به باکو دعوت کرد (جلایی‌پور، ۱۳۷۲: ۳۴). ادبیات کارگری نیز پس از یک دوره فترت به خاطر فراهم شدن زمینه‌های مساعد و نیز پیدایش حزب بسیار قدرتمند توده که داعیه متحد کردن توده‌ها، کارگران، دهقانان، تجار، صنعتگران و روشن‌فکران مرفعی و نیز کنترل ابزار تولید و مبارزه علیه امپریالیسم، زمین‌داران غالب، سرمایه‌داران استثمارگر و صاحبان صنایع چپاولگر را یدک می‌کشید، از رشد چشمگیری یافت (مهدی‌پور و خاکپور، ۱۳۸۹: ۱۱۸؛ صادقی، ۱۳۹۶: ۴۸). تا آنجا که ملک‌الشعراى بهار در یکی از معروف‌ترین اشعار کارگری خود در قصیده «پیام»، به انتقاد از شرایط موجود پرداخت (مهدی‌پور و خاکپور، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

هدف کوتاه‌مدت مسکو در ایران ایجاد يك منطقه نفوذ یا منطقه حائل در شمال ایران و هدف نهایی رسیدن به خلیج فارس بود؛ بنابراین، دولت شوروی درصدد روی کار آوردن يك حکومت طرفدار یا تحت نفوذ خود در ایران برآمد (روبین، ۱۳۶۳: ۳۸). پس از تصرف شمال ایران، کلیه امور اداری و اجرایی این منطقه را به دست گرفتند و اختیارات دولت مرکزی را به شکل‌های توده‌ای متمایل به خود سپردند (استادوخ، ۱۳۲۴/۱۲/۱۴ ش؛ کردها و فرقه دموکرات آذربایجان، ...، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۲؛ میلسپو، ۱۳۷۰: ۲۱۷).

در فضای فرهنگی جدید، حزب توده دو روزنامه مردم و سیاست را در ۱۱ بهمن و ۳ اسفند، به عنوان ارگان رسمی خود ایجاد کردند (عاقلی، ۱/۱۳۷۹: ۳۴۲). همچنین، با رهبری مریم فیروز سازمان تشکیلات زنان ایران را ایجاد کرد (Behrooz, ۲۰۰۱: ۸۲-۳۶۳, Paydar, ۱۹۹۵: ۱۲۴-۵). آنان توانستند با حمایت جریان‌های چپ‌گرا برای نخستین بار به کنگره بین‌المللی زنان در پاریس راه پیدا کنند (ساکما: ۳۱۰/۷۲۵۸۹). البته پیش از این، دومین کنگره عالی نسوان شرق با شرکت نمایندگان زنان کشورهای ترکیه، سوریه، لبنان، یونان، مصر، ژاپن، چین، استرالیا و... در تهران برگزار شده بود (سلامی، نجم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳) و سه زن از نخستین داوطلبان هواپیمایی کشور شدند (عاقلی، ۱/۱۳۷۹: ۳۱۵).

با توجه به نفوذ گسترده اندیشه مارکسیسم، کمونیسم، رئالیسم سوسیالیستی در اندیشه کنشگران اجتماعی جای گرفت. انجمن دوستی ایران و شوروی، بسیاری از شاعران را جذب خود کرد و حزب توده، بسیاری از آنان را با خود همراه ساخت و مطبوعات، آثار شعری و داستانی با تأکید بر عظمت گذشته تاریخی ایران تحت تأثیر اندیشه‌های سوسیالیستی قرار گرفت. بزرگ علوی، احسان طبری و محمود اعتمادزاده (به‌آذین)، از فعال‌ترین اعضای حزب توده و فاطمه سیاح، دانش‌آموخته دانشگاه مسکو از مبلغان و پایه‌گذاران جلوه‌های هنجارگریزی رئالیسم ایرانی در شعر این دوره رئالیسم سوسیالیستی در ایران بودند. زیبایی‌شناسی رئالیسم سوسیالیستی، موضوع محوری نخستین همایش نویسندگان بود که در چهارم تیر ماه ۱۳۲۵ به همت انجمن فرهنگی ایران و شوروی در تهران به ریاست ملک‌الشعراء بهار برگزار شد (سیاح، ۱۳۸۳: ۳۶۷؛ عاقلی، ۱/۱۳۷۹: ۳۹۲؛ کاتم، ۱۳۷۸: ۲۲).

با پنگه دنیا

آمریکایی‌ها اگرچه تا این زمان از فعالیت‌های محدود اقتصادی و به‌خصوص مذهبی - فرهنگی غافل نبودند، اما از اواسط ۱۳۲۰ ش، به دلیل ارزیابی جدیدی از موقعیت استراتژیک و وضعیت مالی ایران، توجه ویژه‌ای به ایران نمودند. آنان به این امر پی برده بودند که چنانچه ایران به عنوان یکی از کشورهای خط مقدم به دست کمونیست‌ها بیفتد، تمامی منافع اقتصادی و سیاسی غرب در این منطقه در معرض خطر و تهدید شوروی قرار خواهد گرفت (بایبوردی و کریمیان، ۱۳۹۸: ۲۵). در شرایط رقابتی با شوروی، سرانجام پس از نزدیک به شانزده سال وقفه، انجمن ایران و آمریکا، فعالیت خود را در

ایران از سرگرفت. در این زمان تعدادی از اعضای قدیمی به همراه اعضای جدید در منزل حسن اسفندیاری گرد هم آمدند و شروع مجدد فعالیت انجمن مزبور را اعلام و در هیجدهم اسفند ماه، هیئت مؤسس، محمد ساعد، وزیر امور خارجه را به عضویت هیئت مؤسس انجمن مزبور انتخاب کرد (صالح، ۱۳۵۵: ۹۶؛ طیرانی، ۱۳۷۹: ۳۵).

این انجمن سعی داشت تا از طریق انجام برنامه‌های فرهنگی (مانند سخنرانی هفتگی، نمایش فیلم‌های تبلیغاتی آمریکایی، انتشار ماهنامه ایران و آمریکا به دو زبان، اجرای موسیقی ایرانی و آمریکایی، تدریس زبان انگلیسی، و پذیرایی همراه با سخنرانی از میهمانان برجسته ایرانی و آمریکایی) به معرفی آمریکا بپردازد و در طول پنجاه سال فعالیت به مهم‌ترین پایگاه فرهنگی آمریکا تبدیل شد و در دوره خود بزرگ‌ترین کانون رابطه فرهنگی بین دو ملت در تمام دنیا به شمار می‌آمد (آشنا، ۱۳۸۴: ۱۶؛ ساکما، ۲۹۳/۱۰۷۷۹۷؛ ۹۸/۲۹۷/۴۱۴). محمود پوررضا بازرگان، از اعضای انجمن، چهارصد جلد کتاب به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به انجمن اهدا کرد (ایران و آمریکا، ۱۳۲۵: ۳؛ ایران و آمریکا، ۱۳۲۷: ۹). پیشینه مناسبات ایران و آمریکا تا این زمان فراز و فرودهای زیادی داشت از اواخر عهد ناصری و مشروطه و جنگ جهانی اول، انجمنی با نام ارتباط شرق و غرب و انجمن تربیتی ایران و آمریکا در واشنگتن، فیلادلفیا و تهران تشکیل شده بود (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۴۹-۱۵۰، ۲۵۵؛ مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۱۲۵۰/۲۹۰۰۰۰۱۶؛ اما به علت عدم شناخت دو طرف از یکدیگر هربار با نزاع و اختلاف بی‌نتیجه رها شده بود.

انجمن خیریه ایران و آمریکا در ۱۵ خرداد ۱۳۲۴ از انوشیروان سپهبدی، وزیر امور خارجه، از امضاکنندگان بعدی فعالیت‌های نهادهای غیردولتی سازمان ملل، برای مذاکره درباره اقدام اساسی در زمینه بهبود زندگی کودکان یتیم دعوت کرد (اسناد آرشیو وزارت امور خارجه: ک ۲۵- پ ۶). **این در حالی است که تا این زمان دستگاه دیپلماسی در مناسبات فرهنگی و بشردوستانه ورود نکرده بود.** ورود وزارت خارجه به این حوزه، بیانگر شکل‌گیری نوعی دیپلماسی اجتماعی است که بر اثر بحران جنگ و تنوع کنشگران خارجی در ایران پدید آمد. **البته می‌توان این تغییر رویه را در دیگر شئون فرهنگی** این دوره مانند سخنرانی دکتر صورتگر، استاد دانشگاه تهران در کالاجی در سانفرانسیسکو در مورد فرهنگ ایران، تدریس مسایل ایران توسط سید حسن تقی‌زاده در دانشگاه کلمبیا و فعالیت تجاری تاجرانی چون کاشف، عامری و دکتر علی‌اکبر اخوی در نیویورک مشاهده کرد (بایبوردی و کریمیان، ۱۳۹۸: ۴۶). پیش از این، محققان مستشرق و آکادمی‌های ایران‌شناسی برای مطالعه موضوعات موردعلاقه‌شان به ایران سفر می‌کردند؛ ولی حضور افراد نام‌برده در محافل مغرب‌زمین خود نشانه افزایش حضور ایرانیان گامی جدید در مبادلات فرهنگی بود که موجب ارتقای شناخت فرهنگ ایران در دانشگاه‌های غربی شد و زمینه‌ساز افزایش سرمایه نمادین ایرانیان در فضای بین‌المللی گردید؛ پدیده‌ای که پیش از این، از طریق سفر مستشرقان به ایران رقم می‌خورد، اما اکنون خود ایرانیان نقش تولیدکننده معنا و روایت را بر عهده می‌گرفتند.

ایالات متحده آمریکا تلاش کرد تا نقش فرهنگی پررنگ‌تری در ایران ایفا کند. پس از بازنگری در اساسنامه «انجمن ایران و آمریکا»، برنامه‌هایی در جهت معرفی میراث فرهنگی ایران در مراکز علمی غرب دنبال شد. برای نمونه، دکتر صورتگر، استاد دانشگاه تهران، در کالیفرنیا به سخنرانی درباره فرهنگ ایران پرداخت؛ سید حسن تقی‌زاده در دانشگاه کلمبیا مدرس مسائل ایران بود و تجار ایرانی نظیر کاشف، عامری و دکتر علی‌اکبر اخوی در نیویورک به فعالیت‌های اقتصادی مشغول بودند (ساکما، ۳۱۰/۴۰۶۷۹؛ بایبوردی و کریمیان، ۱۳۹۸: ۴۶). ایرانیان علاقه‌مند به این حوزه‌های جدید همچون دکتر اسدالله بیژن، بدرالملوک، دکتر علی‌فره‌مندی، سلطانزاده پسیان، عبدالله فریار، وحید مازندرانی، هادی امیرابراهیمی، ابراهیم خواجه نوری، مهندس محسن فروغی، فرخ کیوانی، دونالد ویلبر، کایلر یانگ و علی پاشا صالح، در مقابله با شعارهای جریان‌های چپ‌گرا، به ترجمه مقاله‌ها و معرفی آثار جدید مکاتب فکری اروپای غربی در ماهنامه «ایران و آمریکا» پرداختند (ایران و آمریکا، ۱۳۲۵: ۴۹-۵۰). بدین ترتیب، گفتمان فرهنگی تازه‌ای در جامعه جنگ‌زده ایران شکل گرفت. دولت آمریکا هدایایی شامل سه صندوق کوچک حاوی صفحه گرامافون از طریق سفارت آمریکا در تهران

به انجمن روابط ایران و آمریکا اهدا کرد (بایگانی وزارت امور خارجه - اسناد سال ۱۳۲۳ به نقل از طبرانی، ۱۳۷۹: ۴۲). این اقدام در شرایطی صورت گرفت که رقابت فرهنگی میان آمریکا و شوروی در ایران شدت گرفته بود و هر دو قدرت تلاش می‌کردند از طریق ابزارهای نرم، افکار عمومی ایران را به سوی خود متمایل کنند. چنین هدایایی با هدف تقویت جایگاه فرهنگی آمریکا در میان طبقه متوسط شهری ایران، و ایجاد پیوندهای عاطفی میان گروه‌های تحصیل‌کرده ایرانی و فرهنگ آمریکایی صورت می‌گرفت. این اقدام در واقع یکی از نخستین شکل‌های «قدرت نرم» آمریکا در ایران محسوب می‌شد؛ قدرتی که از طریق جذابیت فرهنگی عمل می‌کرد.

بنیاد خاور نزدیک، نهادی با ماهیت عام‌المنفعه و توسعه‌گرا، از سوی دولت ایران دعوت شد تا خدمات خود را در حوزه‌های عمرانی، کشاورزی، بهداشت و آموزش در روستاهای آسیب‌دیده از جنگ ارائه دهد (سازمان اسناد ملی ایران، ش: ۲۹۷۰۴۵۴۴۲، ۲۳۰/۳۳۵۹۲ و ۲۹۷/۵۳۷۲۳؛ وارن، ۱۳۹۴: ۴۲۸). این بنیاد فعالیت‌هایش را در مناطقی نظیر ورامین و مامازن (پاکدشت) آغاز کرد و با ایجاد مرغداری‌های مکانیزه، اصلاح نژاد طیور، و واردات نژادهایی از نیوهمپشایر و رودآیلند آمریکا، سعی در بهبود بهره‌وری کشاورزی داشت (مرکز فناوری و اطلاع‌رسانی کشاورزی: ۱۸۷۴۵۱۴۱). (مرکز فناوری و اطلاع‌رسانی کشاورزی: ۱۸۷۴۵۱۴۱). در کنار این اقدامات، پروژه‌های فرهنگی و بهداشتی از قبیل لایه‌روبی قنوات، فیلترگذاری در مسیر جریان آب، سم‌پاشی اصطبل‌ها، و هرس درختان به صورت روزمره و با مشارکت مردم محلی اجرا شد.

هرچند نتایج این برنامه‌ها در برخی حوزه‌ها مثبت بود، اما انتقادهایی درباره پیامدهای ناخواسته آن، از جمله تهدید نژادهای بومی طیور و افزایش وابستگی تولید محلی به منابع خارجی مطرح شد. این امر نشان می‌دهد که نفوذ فرهنگی و فنی آمریکا در ایران پس از جنگ، ترکیبی از پیشرفت‌گرایی و وابستگی‌زایی را به همراه داشته است؛ پدیده‌ای که باید در چارچوب نظریه‌های توسعه، امپریالیسم فرهنگی و رقابت سرد میان بلوک‌ها تحلیل شود.

نتیجه‌گیری

جنگ برای ایران معاصر فارغ از نگاه‌های طبیعی تخریبی‌اش، همواره یکی از بسترهای توسعه فرهنگی نیز بوده است. این گمان که شکست‌های پیاپی ایران در دو جنگ با روسیه تزاری و از دست دادن هرات و... تا نقض بی‌طرفی‌اش در دو جنگ جهانی، همه و همه برای کاهش تسلط دولت بر ملت مفید بوده و این ضعف‌ها و شکست‌ها زمینه حضور جامعه مدنی را در اداره امور فرهنگی و نفوس در سازمان‌ها و نهادهای دولتی فراهم آورده، یکی از موضوعات مدنظر پژوهندگان این حوزه است. در اغلب پژوهش‌های موجود پیامدهای فرهنگی - اجتماعی این جنگ‌ها مغفول مانده است. برخی از متفکران فرهنگی و اجتماعی همچون محمدعلی (همایون) کاتوزیان، یروان آبراهامیان، سیدعلیرضا ازغندی، عبدالرضا هوشنگ مهدوی و... بر پیامدهای نظامی و اجتماعی تأکید دارند؛ ولی از طرح دستاوردهای فرهنگی آن چشم‌پوشی نمودند. باتوجه به هدف این مقاله که ارائه تصویری از پیامدهای فرهنگی جنگ جهانی دوم حد فاصل ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ش بود، سه پیامد اصلی می‌توان بر فضای فرهنگی ایران جنگ‌زده در نظر گرفت: ۱. جنگ جهانی دوم واگذاری نقش‌های فرهنگی و اجتماعی را تغییر داد. تا پیش از جنگ خدمات فرهنگی در انحصار دولت بود. اگرچه که هدف از جنگ تربیت این نیروها نبود، ولی به علت ضعف حاکمیت این نیروها توسط مربیان خبره به کار گرفته شدند. ۲. نهادهای فرهنگی جدیدی توسط نیروهای درگیر در جنگ همراه با کنشگران ایرانی برپا شدند که در ساماندهی دولت و تغییرات ساخت اجتماعی جامعه ایران نقش مهمی داشتند. ۳. مفاهیم، دانش‌ها، فنون و اطلاعات جدیدی از سوی نهادهای درگیر در جنگ به‌ویژه در جریان‌های اجتماعی و فرهنگی منتشر شد. این مفاهیم و دانش‌های جدید نظام فکری و شناختی ایرانیان را متحول کرد. فراگیری این مفاهیم و دانش‌ها منجر به تغییراتی در حیات اجتماعی ایرانیان و رابطه

متقابل جامعه با دولت و طبیعت و جوامع دیگر شد. این اندیشه‌ها و دانش‌های جدید از طریق چاپ کتاب و روزنامه و توسعه مدارس عمومی در میان توده مردم منتشر شد و بر نگرش، جهان بینی و گرایش‌های سیاسی اجتماعی‌شان تأثیرات عمیقی داشت.

منابع

۱. کتابنامه:

- استوارت، ا ریچارد (۱۳۷۰)، در آخرین روزهای رضاشاه، تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران: بی‌نا.
- اسکرین، سرکلارمونت (۱۳۶۳)، جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: سلسله.
- اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم (۱۳۹۰)، ج ۵: بازداشت و تبعید، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، خانه کتاب.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۴)، کوچ‌نشینی در ایران- پژوهشی درباره عشایر و ایلات، تهران: انتشارات آگاه.
- امیرخیزی، گردش در مازندران و گیلان، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت: ۱۲۳۰۹-۰۱.
- ای. وارن، ویلیام (۱۳۹۴)، مأموریتی برای صلح: اصل چهار در ایران، ترجمه محمدامین نادریان و مینا ناصریان، تهران: هزاره سوم اندیشه.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۸)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- باری، روبین (۱۳۶۳)، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: آشتیانی.
- بولارد ریدر اسکرین، کلارمونت (۱۳۶۲)، شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابی، تهران: نشر نو.
- بولارد، ریدر ویلیام (۱۳۷۸)، خاطرات سر ریدر ویلیام بولارد سفیر کبیر انگلستان در ایران، نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه، مترجم: غلامحسین میرزاصالح، تهران: طرح نو.
- بیرجندی، علیراده؛ حامدی، زهرا (۱۴۰۱)، مفتشین مدارس در دوره قاجار و پهلوی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- پژوهش و اسناد ریاست جمهوری (۱۳۹۰)، اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم؛ ج ۵: بازداشت و تبعید، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، خانه کتاب.
- ترکمان، محمد (۱۳۷۰)، اسناد نقص بی طرفی ایران در شهریور ۱۳۲۱، کویر: تهران.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۵)، آموزش و پرورش در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جلالی پور، حمیدرضا بی‌تا، کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- جهانگرد، نسرين (۱۳۷۷)، مکتب آنال شیوه تاریخ و تاریخ‌نگاری ساختاری معاصر، تهران: جامی.
- خلیلی، رضا (۱۳۲۳)، وقایع شهریور؛ تاریخ شهدای ایران، تهران: نشر زربخش.
- دشتی، علی (۱۳۵۴)، پنجاه و پنج، تهران: امیرکبیر.
- راه‌آهن دولتی ایران بندر شاه طهران گزارش وزارت طرق (۱۳۱۵)، تهران: شرکت سهامی چاپ.
- راه‌آهن سراسر ایران نشریه وزارت طرق به مناسبت پایان ساختمان راه‌آهن سراسری ایران شهریور (بی‌تا)، بی‌جا.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۹۱)، ایران بین دو کودتا (تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران از انقراض قاجاریه تا کودتای ۲۸ مرداد)، تهران: سمت.

- رسائی، فرج‌الله (۱۳۵۴)، ۲۵۰۰ سال بر روی دریاها، تهران: ستاد فرماندهی نیروی دریایی.
- رنجبر، علی (۱۳۷۳-۷۴)، «بررسی روند نوسازی و توسعه در ایران در دوره محمدرضا پهلوی»، تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی.
- رواسانی، شاپور (۱۳۶۷)، دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری، تهران: نشر شمع.
- روبین، باری (۱۳۶۳)، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: آشتیانی.
- روحانی صدر، حسین (۱۳۹۶)، سرچشمه و سراب در خدمت خادم القرآن، قم: شکرانه.
- زندفرد، فریدون (۱۳۷۷)، ایران و جامعه ملل، تهران: شیرازه.
- سلامی، غلامرضا و نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۸۹)، نهضت نسوان شرق، تهران: نشر شیرازه.
- سیاح، فاطمه (۱۳۸۳)، نقد و سیاحت (بررسی ادبیات ایران و اروپا و مجموعه آثار)، به کوشش محمد گلبن، تهران: نشر قطره.
- شایق، سیروس (۱۴۰۰)، توانا بود هر که دانا بود، علم، طبقه و تکوین جامعه مدرن ایرانی (۱۳۳۰-۱۳۸۰)، ترجمه مارال لطیفی، تهران: شیرازه.
- شهابی، هوشنگ و لینز، خوان (۱۳۸۰)، نظام‌های سلطانی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر شیرازه.
- شهری، جعفر (۱۳۶۹)، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۱، تهران: رسا.
- صالح، علی پاشا (۱۳۵۵)، پیوندهای فرهنگی ایران و آمریکا، تهران: دبیرخانه کمیته ملی دویستمین سال انقلاب آمریکا.
- صدیق، عیسی‌خان (۱۳۸۹)، ایران مدرن و نظام آموزشی آن، ترجمه علی نجات غلامی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- طیرانی، بهروز (۱۳۷۹)، روز شمار روابط ایران و آمریکا (۱۲۴۸ق- ۱۲۷۷ ش / ۱۸۳۲-۱۹۹۹ م)، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران: وزارت امور خارجه.
- عبادیان، محمود (۱۳۸۷)، درآمدی بر ادبیات معاصر ایران، تهران: مروارید.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران (۱۳۳۲-۱۲۱۵)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- قدیمی، ذبیح‌الله (۱۳۲۶)، تاریخ ۲۵ ساله ارتش شاهنشاهی ایران، تهران: اداره سالنامه آریان.
- کاتم، ریچارد (۱۳۷۸)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات کویر.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۰)، دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- کاظمی، محمد، البرز، منوچهر (۲۵۲۳)، تاریخ پنجاه‌ساله نیروی زمینی شاهنشاهی ایران، به اهتمام علی وزیری، تهران: بینا.
- کردها و فرقه دموکرات آذربایجان، گزارش‌هایی از کنسولگری آمریکا در تبریز دی ۱۳۲۳ - اسفند ۱۳۲۵ (۱۳۸۸)، ترجمه کاوه بیات، تهران: شیرازه.
- متی، رودی (۱۳۸۷)، آموزش و پرورش در دوره رضاشاه، در رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چاپ دوم، تهران: جامی.
- معجد، محمدقلی (۱۳۹۶)، اسرار حمله متفقین به ایران، ترجمه علی اکبر رنجبر کرمانی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.

- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: انجمن دانشجویان دانشگاه تهران، مقتدر، هوشنگ (بی تا)، تحولات سازمان ملل متحد، تهران: فرمند.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۱)، مشروطه و جمهوری ریشه‌های نابسامانی نظم دموکراتیک در ایران، تهران: گسترده.
- مناشری، دیوید (۱۴۰۰)، نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن، ترجمه محمد حسین بادامچی و عرفان مصلح، تهران: حکمت سینا.
- الموتی، ضیاءالدین (۱۳۷۰)، فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی ایران، تهران: شرکت جابخش سهامی خاص
- موجانی، سیدعلی (۱۳۷۵)، بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۸۵۱ تا ۱۹۲۵ میلادی)، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- میلانی، عباس (۱۳۸۰)، معمای هویدا، تهران: اختران.
- میلانی، محسن (۱۳۸۱)، شکل‌گیری انقلاب اسلامی (از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی)، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو.
- میلسپو، آرتور (۱۳۷۰)، آمریکائی‌ها در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- یاحسینی، قاسم (۱۳۷۴)، صد سال مطبوعات بوشهر (رکنی اساسی در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران)، بوشهر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر.
- یکرنگیان، میرحسین (۱۳۳۶)، گلگون‌کفن، گوشه‌ای از تاریخ نظامی معاصر، تهران: چاپخانه و کتابفروشی علمی.
- Hasratian, Manuel, "The USSR and Kurds", Acta Kurdica, Volume 1, 1994.

۲. مقالات:

- افشاری، کیانوش؛ حامد عامری گلستانی؛ شیوا جلال پور (۱۴۰۱)، «دولت مقتدر و مسئله وحدت ملی» آینده، تاریخ ایران، ش ۱، صص ۱۲۳-۱۴۴.
- امرایی، شمس‌الدین (۱۳۹۴)، «بررسی وضعیت اقتصادی ایران در خلال جنگ جهانی دوم»، تاریخنامه خوارزمی، س سوم، ش ۴ (پیاپی ۱۲)، صص ۲۷-۴۴.
- آذری، غلامرضا. ۱۳۷۸، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سینمای ایران (۱۳۰۹-۱۳۵۷)»، هنر و معماری: نشریه فارابی، شماره ۳۵، صص ۳۸-۶۳.
- بایبوردی، اسماعیل؛ کریمیان، علیرضا (۱۳۹۸)، «روابط دوجانبه فرهنگی و اجتماعی ایران و ایالات متحده آمریکا از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹-۱۸۲۹ میلادی)»، فصلنامه راهبرد سیاسی، س سوم، ش ۱۱، صص ۲۵-۶۲.
- حق‌گو، جواد؛ محمد رادمرد؛ حسین مولائی (۱۴۰۰)، «کاربست مفهوم سلطانیسم در تبیین شکست نظامی ایران در شهریور ۱۳۲۰»، مطالعات تاریخی جنگ، دوره پنجم، ش اول (پیاپی ۱۵)، صص ۲۳-۴۵.
- حیدری، سلیمان (۱۳۹۸)، «بررسی علل شیوع بیماری تیفوئید در ایران در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۴»، تاریخ پزشکی، س پنجم، ش سوم، صص ۱۵۷-۱۷۰.
- رشیدپور، احمد و فتحی، کوروش (۱۳۸۵)، «روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده آمریکا از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، فصلنامه روابط خارجی، ش ۲۹.
- رشیدپور، احمد و فتحی، کوروش (۱۳۸۵)، «روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده آمریکا از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸

مرداد ۱۳۳۲»، فصلنامه روابط خارجی، ش ۲۹.

- رضایتی کیشه خاله، محرم؛ جلاله‌وند، مجید (۱۳۹۳)، «تاریخ‌باوری و اسطوره‌رهایی در رمان‌های رئالیسم سوسیالیستی ادبیات فارسی»، فصلنامه نقد ادبی، ش ۱۱، صص ۶۷-۲۹.
- رضایی، فاطمه؛ مختاری، محمدتقی (۱۳۹۴)، «تأثیر حلقه برلن بر روشنفکران ملیگرای عصر رضاشاه»، تاریخ ایران، ش ۱۸ (۷۶/۵)، صص ۱۰۳-۱۲۴.
- سادات بیدگلی، سید محمود؛ مرادینی، محمدجواد (۱۳۹۹)، «تحلیل مؤلفه‌های تبعید تبعیدیان جنگ جهانی دوم (ش ۱۳۲۴-۱۳۲۰)»، مطالعات تاریخی جنگ، دوره چهارم، ش سوم، پیاپی ۱۳، صص ۷۵-۱۰۰.
- سادات بیدگلی، سید محمود؛ مرادینی، محمدجواد (۱۳۹۹)، «تحلیل مؤلفه‌های تبعید تبعیدیان جنگ جهانی دوم (ش ۱۳۲۴-۱۳۲۰)»، مطالعات تاریخی جنگ، دوره چهارم، ش سوم، پیاپی ۱۳، صص ۷۵-۱۰۰.
- سیاری، حبیب‌الله؛ رضا جهان‌فر، محسن رحمانی، فهیمه کرمی (۱۳۹۹)، «پیامدهای امنیتی-انتظامی اشغال نظامی شمال ایران در جنگ جهانی دوم»، مطالعات تاریخ انتظامی، ش هفتم، شماره بیست و هفتم، صص ۱-۲۶.
- صفائی‌ان، بهاره؛ توران طولابی (۱۳۹۶)، «زنان، تجدد و بهداشت نوین در آستانه تشکیل دولت مدرن بررسی رویکرد مجله عالم‌نسوان به بهداشت زنان»، ش هفتم، ش دوم، صص ۱۳۵-۱۵۵.
- صفائی‌ان، بهاره؛ توران طولابی (۱۳۹۶)، «زنان، تجدد و بهداشت نوین در آستانه تشکیل دولت مدرن بررسی رویکرد مجله عالم‌نسوان به بهداشت زنان»، ش هفتم، ش دوم، صص ۱۳۵-۱۵۵.
- کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین (۱۳۰۴)، «راه نو در تعلیم و تربیت»، ایرانشهر، سال سوم، ش ۷.
- کریمی خوزانی، علی؛ عطیه صنعتگران (۱۳۸۲)، «راهبرد رژیم پهلوی در زمینه حقوق بشر»، ش ۳، صص ۲۱۲-۲۲۹.
- محمدی، محمود (۱۳۹۵)، «روحانیان و مدارس جدید در ایران»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، ش ۲۲، صص ۱-۲۵.
- معتقدی، ربابه؛ اتابکی، تورج؛ شیخ‌نوری، محمدمیر (۱۳۹۲)، «صنعت نفت و تحول جمعیتی و شغلی در مناطق نفت خیز جنوب ایران»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، صص ۱۲۱-۱۳۷.
- مقصودی، مجتبی (۳۰/۱/۱۳۷۶)، سیاست‌های عشایری رضاشاه، نشریه مشعل، سال سوم، ش ۸۵.
- مهدی‌پور، محمد؛ محمد خاک‌پور (۱۳۸۹)، «سرود زندگی تاملی در محتوا و مبانی جمال‌شناختی ادبیات کارگری»، نشریه زبان و ادب فارسی، ش ۵۳، ش مسلسل ۲۱۵.
- نفیسی، (۱۳۰۲)، «در اطراف مسابقه مهم»، شفق سرخ، ش ۱۶۹.

۳. نشریات:

- تجدد ایران: (۱۳۱۱)، ش ۱۴۹۸.
- کوشش: ۱۳۱۵/۶/۲؛ ۱۳۱۲/۷/۱۴.
- عالم‌نسوان: (۱۳۰۷)، ش ۱.
- مجله صنعت، فروردین ۱۳۲۳.

۴. اسناد:

- ۱-۴. اسناد ایرانی:
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه: ۲-۲۴-۱۳۲۱ ش؛ ک ۲۵- پ ۶.

Khaneh-ye Ketab.

- Cottam, Richard (1999/1378), *Nationalism in Iran*, trans. Ahmad Tadayyon, Tehran: Kavir Publications.
- Dashti, Ali (1975/1354), *Fifty-Five*, Tehran: Amirkabir.
- Documents on the Occupation of Iran in World War II* (2011/1390), vol. 5: *Arrest and Exile*, Tehran: Center for Research and Documentation of the Presidency, Khaneh-ye Ketab.
- E. Warne, William (2015/1394), *Mission for Peace: Point Four in Iran*, trans. Mohammad-Amin Naderian and Mina Naderian, Tehran: Hezareh-ye Sevom-e Andisheh.
- Ghadimi, Zabihollah (1947/1326), *The 25-Year History of the Imperial Iranian Army*, Tehran: Aryan Yearbook Office.
- Hasratian, Manuel, "The USSR and Kurds," *Acta Kurdica*, Volume 1, 1994.
- Iranian State Railways, Bandar Shah–Tehran: Report of the Ministry of Roads* (1936/1315), Tehran: Chap Company.
- Issawi, Charles (1983/1362), *The Economic History of Iran (1800–1914)*, trans. Ya'qub Azhand, Tehran: Nashr-e Gostareh.
- Jahangard, Nasrin (1998/1377), *The Annales School: The Method of History and Contemporary Structural Historiography*, Tehran: Jami.
- Jalaipour, Hamidreza, *Kurdistan and the Causes of the Persistence of Its Crisis after the Islamic Revolution*, Tehran: Publications Office of the Ministry of Foreign Affairs.
- Katouzian, Mohammad-Ali (2001/1380), *State and Society in Iran: The Eclipse of the Qajars and the Establishment of the Pahlavis*, trans. Hassan Afshar, Tehran: Nashr-e Markaz.
- Kazemi, Mohammad; Alborz, Manouchehr (1974/2523), *The Fifty-Year History of the Imperial Iranian Ground Forces*, ed. Ali Vaziri, Tehran: n.p.
- Khalili, Reza (1944/1323), *The Events of September: History of Iran's Martyrs*, Tehran: Nashr-e Zarbakhsh.
- Mahbubi Ardakani, Hossein (1975/1354), *History of Modern Civil Institutions in Iran*, Tehran: Association of Students of the University of Tehran.
- Majd, Mohammad Gholi (2017/1396), *Secrets of the Allied Invasion of Iran*, trans. Ali-Akbar Ranjbar Kermani, Tehran: Institute for Contemporary Iranian History Studies.
- Matthee, Rudi (2008/1387), "Education during the Reign of Reza Shah," in *Reza Shah and the Formation of Modern Iran*, trans. Morteza Saqebfar, 2nd ed., Tehran: Jami.
- Menashri, David (2021/1400), *Education and the Making of Modern Iran*, trans. Mohammad Hossein Badamchi and Erfan Mosleh, Tehran: Hekmat-e Sina.
- Milani, Abbas (2001/1380), *The Persian Sphinx: Amir Abbas Hoveyda and the Riddle of the Iranian Revolution*, Tehran: Akhtaran.
- Milani, Mohsen (2002/1381), *The Making of Iran's Islamic Revolution: From Monarchy to Islamic Republic*, trans. Mojtaba Attarzadeh, Tehran: Gam-e No.
- Millspaugh, Arthur (1991/1370), *Americans in Persia*, trans. Abdolreza Houshang Mahdavi, Tehran: Alborz.
- Moghtader, Houshang (n.d.), *Developments in the United Nations*, Tehran: Farmand.
- Mojani, Seyyed Ali (1996/1375), *A Study of Iran–US Relations (1851–1925)*, Tehran: Publications Office of the Ministry of Foreign Affairs.
- Mollai Tavani, Alireza (2002/1381), *Constitutionalism and the Republic: Roots of the Disorder of Democratic Order in Iran*, Tehran: Gostardesh.
- Rahmanian, Dariush (2012/1391), *Iran between Two Coups: A History of Political, Social, Economic and Cultur-

al Developments in Iran from the Fall of the Qajars to the 28 Mordad Coup*, Tehran: Samt.

- Ranjbar, Ali (1994–95/1373–74), “A Study of the Process of Modernization and Development in Iran during the Reign of Mohammad Reza Pahlavi,” Tehran, MA thesis, Islamic Azad University.
- Rasa’i, Farajollah (1975/1354), *2,500 Years on the Seas*, Tehran: Headquarters of the Navy Command.
- Ravasani, Shapour (1988/1367), *State and Government in Iran during the Era of Capitalist Colonial Domination*, Tehran: Nashr-e Sham’.
- Rouhani Sadr, Hossein (2017/1396), *Sarcheshmeh va Sarab: In the Service of Khadem al-Quran*, Qom: Shekaraneh.
- Rubin, Barry (1984/1363), *The Great Powers in the Middle East*, trans. Mahmoud Moshrefi, Tehran: Ashtiani.
- Salami, Gholamreza and Najmabadi, Afsaneh (2010/1389), *Nehzat-e Nesvan-e Shargh (The Eastern Women’s Movement)*, Tehran: Nashr-e Shirazeh.
- Saleh, Ali Pasha (1976/1355), *Cultural Ties between Iran and America*, Tehran: Secretariat of the National Committee for the Bicentennial of the American Revolution.
- Sayyah, Fatemeh (2004/1383), *Naqd va Siyahat (Criticism and Travel: A Study of Iranian and European Literature and Collected Works)*, ed. Mohammad Golbon, Tehran: Nashr-e Qatreh.
- Sediq, Isa Khan (2010/1389), *Modern Iran and Its Educational System*, trans. Ali Nejat Gholami, Tehran: Institute for Cultural and Social Studies.
- Shahabi, Houshang and Linz, Juan (2001/1380), *Sultaniistic Regimes*, trans. Manouchehr Sabouri, Tehran: Nashr-e Shirazeh.
- Shahri, Ja’far (1990/1369), *Social History of Tehran in the Thirteenth Century*, vol. 1, Tehran: Rasa.
- Shaye,q, Sirus (2021/1400), *Tavana Bud Har Ke Dana Bud: Science, Class and the Formation of Modern Iranian Society (1901–1951)*, trans. Maral Latifi, Tehran: Shirazeh.
- Skrine, Sir Clarmont (1984/1363), *World War in Iran*, trans. Gholamhossein Salehyar, Tehran: Selseleh.
- Stewart, R. Richard (1991/1370), *In the Last Days of Reza Shah: The Russian and British Invasion of Iran in September 1941*, trans. Abdolreza Houshang Mahdavi and Kaveh Bayat, Tehran: n.p.
- Takmil Homayoun, Nasser (2006/1385), *Education in Iran*, Tehran: Cultural Research Office.
- The Kurds and the Democratic Party of Azerbaijan: Reports from the American Consulate in Tabriz, December 1944–March 1947* (2009/1388), trans. Kaveh Bayat, Tehran: Shirazeh.
- The Trans-Iranian Railway: Publication of the Ministry of Roads on the Occasion of the Completion of the Trans-Iranian Railway, September* (n.d.), n.p.
- Tirani, Behrouz (2000/1379), *Chronology of Iran–US Relations (1869–1999)*, Center for Documents and History of Diplomacy, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Torkaman, Mohammad (1991/1370), *Documents on the Violation of Iran’s Neutrality in September 1942*, Tehran: Kavir.
- Yahosseini, Ghasem (1995/1374), *One Hundred Years of Bushehr Press (A Fundamental Pillar in the History of Iranian Journalism)*, Bushehr: General Directorate of Culture and Islamic Guidance of Bushehr Province.
- Yekrangian, Mirhossein (1957/1336), *Golgun-Kafanan: A Glimpse of Contemporary Military History*, Tehran: Elmi Printing House and Bookstore.
- Zandfard, Fereydoun (1998/1377), *Iran and the League of Nations*, Tehran: Shirazeh.

Articles

- Afshari, Kianoush; Hamed Ameri Goleštani; Shiva Jalalpour (2022/1401), “The Strong State and the Question of National Unity,” *Ayandeh-ye Tarikh-e Iran*, no. 1, pp. 123–144.

- Amraei, Shamsoddin (2015/1394), "A Study of Iran's Economic Situation during World War II," *Tarikh-nāmeḥ-ye Khwarazmi*, 3rd year, no. 4 (serial 12), pp. 27–44.
- Azari, Gholamreza (1999/1378), "An Introduction to the Sociology of Iranian Cinema (1930–1978)," *Honar va Memari: Farabi Journal*, no. 35, pp. 38–63.
- Bayburdi, Esmail; Karimian, Alireza (2019/1398), "Bilateral Cultural and Social Relations between Iran and the United States from the Beginning to the Victory of the Islamic Revolution of Iran (1829–1979)," *Faslnāmeḥ-ye Rāhbord-e Siyāsi*, 3rd year, no. 11, pp. 25–62.
- Haqgoo, Javad; Mohammad Radmard; Hossein Moulaei (2021/1400), "Applying the Concept of Sultanism in Explaining Iran's Military Defeat in September 1941," *Motāle'āt-e Tārikhi-ye Jang*, 5th year, no. 1 (serial 15), pp. 23–45.
- Heidari, Soleyman (2019/1398), "A Study of the Causes of the Typhoid Epidemic in Iran in the Years 1941–1945," *Tārikh-e Pezeshki*, 5th year, no. 3, pp. 157–170.
- Karimi Khozani, Ali; Atiyeh San'atgaran (2003/1382), "The Strategy of the Pahlavi Regime Regarding Human Rights," no. 30, pp. 212–229.
- Kazemzadeh Iranshahr, Hossein (1925/1304), "A New Path in Education," *Irānshahr*, 3rd year, no. 7.
- Maqsoudi, Mojtaba (1997/1376), "Reza Shah's Tribal Policies," *Mash'al* journal, 3rd year, no. 85.
- Mehdi-pour, Mohammad; Mohammad Khakpour (2010/1389), "The Song of Life: Reflections on the Content and Aesthetic Foundations of Workers' Literature," *Zabān va Adab-e Fārsi* journal, no. 53, serial 215.
- Mohammadi, Mahmoud (2016/1395), "Clergy and Modern Schools in Iran," *Tarbiat-e Eslāmi* (scientific-research biannual), no. 22, pp. 1–25.
- Mo'taghedī, Robabeh; Atabaki, Touraj; Sheikh Nouri, Mohammad-Amir (2013/1392), "The Oil Industry and Demographic and Occupational Transformation in the Oil-Rich Regions of Southern Iran," *Tahghighat-e Tārikh-e Ejtemā'i*, 2nd year, pp. 121–137.
- Rashidpour, Ahmad and Fathi, Kourosh (2006/1385), "Cultural Relations between Iran and the United States from September 1941 to the 28 Mordad 1953 Coup," *Faslnāmeḥ-ye Ravābet-e Khāreji*, no. 29.
- Rezaei, Fatemeh; Mokhtari, Mohammad-Taghi (2015/1394), "The Influence of the Berlin Circle on the Nationalist Intellectuals of the Reza Shah Era," *Tārikh-e Iran*, no. 18 (5/76), pp. 103–124.
- Rezayati Kiseh Khaleh, Moharram; Jalalvand, Majid (2014/1393), "Historicism and the Myth of Liberation in the Novels of Socialist Realism in Persian Literature," *Faslnāmeḥ-ye Naqd-e Adabi*, no. 11, pp. 29–67.
- Sadat Bidgoli, Seyyed Mahmoud; Moradini, Mohammad-Javad (2020/1399), "An Analysis of the Components of the Exile of World War II Exiles (1941–1945)," *Motāle'āt-e Tārikhi-ye Jang*, 4th year, no. 3, serial 13, pp. 75–100.
- Safaeian, Bahareh; Touran Toulabi (2017/1396), "Women, Modernity and Modern Health on the Threshold of the Formation of the Modern State: A Study of the Approach of the *Alam-e Nesvan* Magazine to Women's Health," 7th year, no. 2, pp. 135–155.
- Sayyari, Habibollah; Reza Jahanfar, Mohsen Rahmani, Fahimeh Karami (2020/1399), "Security-Police Consequences of the Military Occupation of Northern Iran in World War II," *Motāle'āt-e Tārikh-e Entezāmi*, 7th year, no. 27, pp. 1–26.

Documents

Iranian Documents

- Archive of the Ministry of Foreign Affairs Documents: 2-24-1942; K 25-P6.
- Center for Agricultural Technology and Information: 18745141.

- Institute for Contemporary History Studies: -121-0 86237-2009.
- Library of the Islamic Consultative Assembly: No. 12309-01; 3261; 0216029000120250.
- National Library and Archives of Iran: 14627-230; 38446-297; 293-3318; 14627-230; 293-3318; 98/119/293; 2457/293; 72085/240; 9952/310; 72589/310; 14627-230; 107797/293; 414/297/98; 40679/310; 297045442, 33592/230 and 53723/297; 293003626.
- SADOKH (State Archive): 14/12/1946.

Websites

- <https://fa.wikipedia.org/> Skanska (URL 4)
- [https://fa.wikipedia.org/wiki/ Faculty of Law and Political Science, University of Tehran](https://fa.wikipedia.org/wiki/Faculty_of_Law_and_Political_Science,_University_of_Tehran) (URL 1)
- [https://fa.wikipedia.org/wiki/ International Labour Organization](https://fa.wikipedia.org/wiki/International_Labour_Organization) (URL 2)
- [https://fa.wikipedia.org/wiki/ Paris Peace Conference](https://fa.wikipedia.org/wiki/Paris_Peace_Conference) (URL 3)
- [https://fa.wikipedia.org/wiki/ Shoghi Effendi](https://fa.wikipedia.org/wiki/Shoghi_Effendi) (URL 5)
- If you'd like, I can also convert this into a formatted Word-style bibliography, reorder it alphabetically, or adjust the citation style (e.g., APA, Chicago). Just let me know!